



نقاط ضعف و مثبت آموزش مجازی مدارس از نگاه مخاطبان

دلنگی‌های آموزش مجازی

■ مرزیه ابامیری

هر پدیده اجتماعی برای ماندگار شدن و رسیدن به محبوبیت در جامعه نیاز دارد تا مورد اقبال عمومی واقع شود. یعنی اگر یک پدیده اجتماعی مورد توجه مخاطباتش یعنی مردم یک جامعه قرار گرفت، می‌تواند به بقای خود امیدوار باشد، ولی این اقبال را چه کسی و با چه پارامترهایی تعیین می‌کند؟ این پدیده را چه کسی به جامعه تحویل یا تحمیل می‌کند؟ ورود وپروس کرونا به کشور توانست بسیاری از مناسبات اجتماعی و

■ فرزندانم حتی در بستری بیماری از درس جا نمی‌ماند

فاطمه عباسی / اولی یک دانش آموز ۱۱ ساله

وقتی شاد را برای اولین بار نصب کردم شناسختی از آن نداشتیم. ما هم مثل بقیه سر در گم بودیم، ولی کم کم برایم جذاب شد. این مدرسه بسیاری از قوانین دست و پاگیر را برای دانش آموزان برداشت. بچه من مجبور نبود کله سحر شال و کلاه کند و در برف و باران به مدرسه برود. مجبور نبود در سرمای استخوان سوز زمستان نگران ایستادن سر صف صبحگاهی باشد. بچه کلاس اولی من وقتی سرما خورد نداشتت یک هفته سر کلاس برود، ولی در شاد گوشی دوستت بود و حتی در رختخواب هم به مدرسه و مشقش می‌رسید. این شاید بهترین مزیت مدرسه شاد است.

او ادامه می‌دهد: من محل کارم از خانه بسیار دور است و نمی‌توانستم برای کودکم وقت زیادی صرف کنم، ولی حالا او در خانه پیش مادر بزرگش نشسته و تا لوزیو یون و شاد درس می‌خواند. قبول دارم که هیچ تدریسی مثل حضوری و چشم در چشم شدن شاگرد و معلم نمی‌شود، اما خوب در بسیاری موارد اضطرابی، مانند روزهای آلوده سال، یا فرآگیری بیماری و بارش برف می‌شود کاملاً غیر حضوری درس‌ها را دنبال کرد. یا می‌شود حضوری و مجازی را یکی مکمل یکدیگر باشند و بچه‌ها فقط برای رفع اشکال یا برخی درس‌های سخت به کلاس بروند و بقیه را از طریق شاد دنبال کنند.

هن زهنه‌هایمان تا شاد پایین آمده است

حبیبیه ترابی / ولی ۲ دانش آموز

من هر سال اواخر شهریور دغدغه مالی فرزندانم را برای تحصیل داشتیم. خرید کیف و کفش راحتی و ورزشی، گرمکن ورزشی و انواع وسایل کمک آموزشی برای او بچه محصل دشوار است. تازه لباس‌های فرم و لوازم التحریرهای لوکس و تشریفاتی می‌ماند. اینکه هر روز باید جیب فرزندت را پر از خوراکی می‌کردی بماند، خیلی راعب نیستند که بشینند و کتاب‌ها و سی‌دی‌های آموزشی را آموزش ببینند و اینکه زود خسته می‌شوند و بهانه می‌آورند که به بیرون از منزل برای بازی در پارک و شهر بازی بروند. از طرفی والدین اصرار دارند که این کودک قبل از ورود به مدرسه باید حروف الفبا و خیلی از مباحث دروس کلاس اولی‌ها را الان یاد بگیرد تا جلوی هم کلاسی‌هایش از لحاظ درس کمی نیابورد.

در اینجا والدین به ظن خود فقط و فقط به تحصیل و پیشرفت در آینده فرزندان فکر می‌کنند تا حتی اینکه به اجبار و زور کودک سه چهار ساله بینجامد. در حالی که در هر مرحله‌ای از زندگی فرزندان از سوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی وظایف و تکالیف تعریف شده‌ای وجود دارد و والدین به‌عنوان امری برین باید کودک خود را در معرض چالش‌های مناسب با سن خودش که موجب پیشرفت و رشد فکری‌اش بشود قرار دهند و به دوره‌های مراحل رشد و پارامترهای رشد جسمی، رشد فکری و رشد

زبانی او توجه کافی داشته باشند. ناگفته نماند که در کنار

این عوامل والدین باید به سه عنصر حیاتی هدف، انگیزه و نیاز کودک توجه داشته باشند و بر اساس همین سه عنصر پایه‌ریزی محکمی در طول سنین کودک تا جوانی ترسیم و به نوعی آینده فرزندان خود را تضمین کنند. بی تردید

اینکه هر روز برای فلان کار دسترسی یا فلان جشن باید هزینه می‌کردیم بماند، ولی امسال با وجود مدرسه شاد با وجود گران شدن لوازم التحریر من خیلی برای بچه‌ها هزینه نکردم. لطف مجازی این است که می‌توانند تمام تکالیف را در یک دفتر بنویسند. مواد و پاک کن و سایر اقلام را نیز می‌توانند مشترک استفاده کنند. این مدرسه برای آنهایی که بیش از یک فرزند دارند و وضعیت مالی مناسبی هم ندارند، مفید و نجات بخش است. تازه وقتی فرزندت جلوی چشم خودت درس می‌خواند و مدام با دوستانش وقت نمی‌گذرانند، بسیاری از دغدغه‌های تربیتی والدین کم می‌شود، ولی نمی‌شود منکر تنبل شدن بچه‌ها شد. پسر من در دوران کرونا تنظیم خوابش به هم خورده و روزها خواب و شب‌ها بیدار است. حالا هر بار که کلاس‌های آنلاین شروع می‌شود، باید او را به

زور را رختخواب بیرون بکشم. گاهی تکلیف را به جای او می‌نویسم تا او فرصت کند، در همان زمان مشخص شده تکلیف را تحویل دهد. یا گاهی به جای او آنلاین شده‌ام و خودش در خواب شیرین است. من فیلم‌ها را برایش ذخیره می‌کنم و او بعدا همه را با زبانی می‌کند. مجازی بودن مدارس، بچه‌ها را بخور و بخلوب بار آورده و مسئولیت‌پذیری آنها تا حد زیادی کاهش یافته است.

■ **دلم برای هم‌کلاسی‌هایم تنگ شده‌ام**

سناپش رازقی / دانش آموز دبیرستانی

من اوایل تشکیل شاد خیلی خوشحال بودم. مهم‌تر از همه اینکه مجبور نبودم صبح‌های زود با چشم‌های خواب‌آلود و یف کرده رختخواب را ترک کنم و در گرما و سرما منتظر سرویس باشم. اوایل این بی‌ظلمی خوشحالم می‌کرد؛ مثل تمدید تعطیلاتی که دانش آموزها را سسر ذوق می‌آورد، ولی کم کم از این وضع خسته شدم. دوری از دوستانم سخت بود. دلم برای شیطن‌های هر روزمان سسر صبحگاه و آواز خواندن‌های دسته‌جمعی مان در کلاس تنگ شد. دوران نوجوانی بهترین دوره زندگی است. نمی‌شود آن را آنلاین سپری کرد. می‌شود آنلاین

آموزش زود هنگام، سد راه رشد کودکان

کودکان کنکوری!



اجبار به تحصیل پیش از موعد مقرر برای فرزندان موجب تضعیف انگیزه کودک می‌شود، چون در واقع در این مرحله کودک نیاز به بازی به‌خصوص با همسالان خودش را در در جهت قرار می‌دهد و بازی بخش مهمی از نیازهای کودک را تأمین می‌کند و به فراخور این منجر

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۸۴۷۱

سبک نگرش



تأملی در مفهوم و کارکرد نوآوری

حل مشکلات جهان امروز نیاز به نوآوری تیمی دارد

ما را به گشت‌و گذاری در نقاط برجسته تاریخ نوآوری می‌برد، اما نکته روشن این است که ریدلی بیش از آنکه درگیر کاوش صفحات تاریخ باشد، می‌خواهد نظام عقیدتی تازه‌ای را سر و شکل دهد. منظورش از این حرف لزوماً انتقاد از او نیست؛ اتفاقاً بخش دوم کتابش (که فصل به فصل، به عوامل شکل گیری نوآوری‌هایی می‌پردازد که در ۲۰۰ صفحه نخست توصیفشان کرد) رویکردی جدی‌تر دارد و عموماً غیرتر است.

مهم‌ترین فصل‌های کتاب ریدلی که جالب‌ترین بخش‌های آن نیز هستند، مواقعی است که سراغ «الگوهای که به شکل شگفت‌انگیزی یکدست» هستند، می‌رود، الگوهایی که فرآیند ساخت چیزهای جدید را توصیف می‌کنند.

او می‌گوید نوآوری معمولاً تدریجی است، هر چند مأمولاً افسانه‌نا خط‌شکنی‌های علمی را باور می‌کنیم. به قول خودش «روزی وجود ندارد که بگویم کامپیوترها روز قبش وجود نداشتند و روز بعد چرا.» فرآیند نوآوری، چنانکه گرچه نوآوری در نقش یکی از موتورهای قوی شکوفایی (شتاب‌بخش ترقی بشر) عمل می‌کند، اما همچنان «معمای بزرگ» است که تکنولوژیست‌ها، اقتصاددانان و دانشمندان علوم اجتماعی در نحوه کار آن مانده‌اند. از خیلی جهات، حق با ریدلی است. پس از سال‌ها پژوهش دقیق، هنوز هم علل یا بهترین راه پرورش نوآوری را دقیق نمی‌دانیم. آیا نوآوری صرفاً مبتنی بر نبوغ است یا مناسب را حل می‌کند و این کار غالباً مستلزم آزمون و خطای فراوان است، نه کاربست نظریات و روشنفکرانه. نمونه بارز این قضیه توماس ادیسون است که به گفته ریدلی، ۶ هزار ماده‌الی مختلف را امتحان کرد تا رشته مناسب را برای لامپ برقی‌اش بیابد. ریدلی می‌گوید ادیسون «تمرکزش را روی این گذاشته بود که بفهمد دنیا چه نیاز دارد و بعد از آن هم دنبال راهی برای برآوردن این نیازها بود، نه برعکس»

دنیا بیش از حد سر در گم کننده شده و حوزه نوآوری با زتابی از پیچیدگی سرسام آور علوم، اقتصاد و سیاست‌مان است. پس یک جدلی جدید، با وجود همه‌گیری وپروس کرونا نیز با آشفته‌بازاری بیابیم، اما در انتهای این کتاب، جدید روردرو هستیم. اما کدام‌یک از اینها برابستی نوآوری و کدام‌یک کسزهای جدیدی از محصولات قدیمی هستند؟ در ضمن، حالا که وارد این بحث شدیم، آیا نوآوری محدود به تکنولوژی است؟ یا محصولات جدید فرهنگی همچون آثار بنیان‌شکنانه ادبیات و هنر و سینما را هم می‌توانیم تحت این مقوله بگنجانیم؟ متأسفانه هیچ‌کس نظارتی بر فضای نوآوری ندارد تا بگوید نوآوری چیست و چه نیست. عدت‌تا همه‌چیز به اصالت شخصی و ذهن باز برمی‌گردد. من خودم هرازگاهی درباره این موضوع می‌نویسم و معمولاً تعریفی ساده اما منعطف از آن ارائه می‌کنم: نوآوری یعنی محصول یا فرآیندی جدید که هم اثرگذاری بالا و هم مقیاسی بزرگ دارد. گذشته از این، نوآوری چیزی است که کمک می‌کند کاری را به انجام برسانیم که قبلاً به انجام داده‌ایم. اما با روشی بهتر یا از آن‌تر. نور مصنوعی نمونه بارز این امر است. به مرور زمان از شمع به پیه‌نهنگ، چراغ نفتی، لامپ‌های رشته‌ای و فلورسنت و حالا هم لامپ‌ال‌ای‌دی روی آورده‌ایم. یا مثلاً می‌توان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای قرن در اوقات فراغت‌شان قرار بدهند. با این تفاسیر آموزش اجباری بدون بازی برای کودکان توسط روانشناسان و مشاوران توصیه نمی‌شود و کودک باید راستا با سن رشد خودش آموزش و یادگیری را فرآینگیرد و بر این اساس است که بازی در روانشناسی کودک یکی از نیازهای ضروری برای رشد فکری به حساب می‌آید. والدین باید این باور را که بازی موجب هدررفت زمان و اهداف و صرف انرژی مازاد کودک می‌شود از خود دور کنند. بازی بخشی از نیروی ذهنی و بدنی کودک را دربرمی‌گیرد و بخشی از زندگی کودک در این دوران به حساب می‌آید. بازی یک عملکرد دهنده‌است و اگر نتیجه‌ای نداشته باشد کودک از آن لذت می‌برد و باعث کاهش نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و لجبازی‌هایش می‌شود. در پایان باید گفت برای آموزش در مراحل زودتر از شروع کسب تحصیل نهاد آموزش‌پرورش کلاس‌های پیش‌دبستانی را برای کودکان ترتیب داده‌است تا نگرانی والدین را رفع کند، پس نیازی نیست کودک سه چهار ساله را درگیر آموزش‌های مدارس کنیم.

یک معلم: قانون مجازی اینگونه ایجاد می‌کند که ملاک قضاوت چند تا عکس از تکلیف‌ها باشد. بدبختانه حتی نمی‌توانی ثابت کنی مادر به جای فرزندش آنلاین شده یا اصلاً در چه سطحی از هوشیاری سسر کلاس آنلاین حضور دارد. اگر شاد بعد از دوران کرونا به‌عنوان منبع اصلی آموزش ادامه یابد، سطح سواد دانش آموزان به شدت افت می‌کند



همه‌هاچ و واج بودند و تصویری از این مدرسه مجازی نداشتند. خانوادها و معلم‌ها هر دو سرگردان و سر در گم مسیری ناشناخته بودند. معلم‌ها به سرعت اندک آموزشی دیدند که چگونه در شاد تدریس کنند و پرچم آموزش و تحصیل را بالا نگه دارند. این وسط افراد زیادی هم نسبت به مدرسه شاد واکنش نشان دادند. آموزش مجازی در حالی کار می‌کند که هنوز عده‌ای مخالف یا موافق سرسخت این پدیده هستند و ظاهر این مدرسه شاد، خیلی هم شاد نیست!



همه‌هاچ و واج بودند و تصویری از این مدرسه مجازی نداشتند. خانوادها و معلم‌ها هر دو سرگردان و سر در گم مسیری ناشناخته بودند. معلم‌ها به سرعت اندک آموزشی دیدند که چگونه در شاد تدریس کنند و پرچم آموزش و تحصیل را بالا نگه دارند. این وسط افراد زیادی هم نسبت به مدرسه شاد واکنش نشان دادند. آموزش مجازی در حالی کار می‌کند که هنوز عده‌ای مخالف یا موافق سرسخت این پدیده هستند و ظاهر این مدرسه شاد، خیلی هم شاد نیست!

را مدیریت کنم و گاهی برای دانش آموزان زنده تدریس کنم. سواى مشکلات اینترنت و کم بودن سواد جمعی به دلیل نبودن این شیوه، من معتمد معلم باید شاگردش را رو در رو ببیند و با تک‌تک رفتارهایش بفهمد درس را آموخته‌اند یا نه. نه اینکه مطمئن باشم تکلیف شاگرد را مدارس نوشته، اما جرئت نکنم حرفی بزنم. اینکه همه شاگردانش از روی کتاب تقلب کنند یا املا بنویسند، اما جرئت اعتراض نداشته باشم؛ چراکه قانون مجازی اینگونه ایجاد می‌کند که ملاک قضاوت چند تا عکس از تکلیف‌ها باشد. بدبختانه حتی نمی‌توانی ثابت کنی مادر به جای فرزندش آنلاین شده یا اصلاً در چه سطحی از هوشیاری سر کلاس آنلاین حضور دارد.

اگر شاد بعد از دوران کرونا به‌عنوان منبع اصلی آموزش ادامه یابد، سطح سواد دانش آموزان به شدت افت می‌کند. نمی‌شود معلم را پای تخته تنها در کلاس نشانند و دانش‌آموزی خودش راست راست بچرخد و حتی در سفر درحالی‌که در ماشین است، در کلاس آنلاین حاضر می‌کند. نمی‌شود مهمانی با پای به درسی ضعیف بالا می‌آیند و ما کارنامه‌های مصلحتی خیلی خوبشان را پای قدرت آموزشی شاد می‌گذاریم. در کلاس آنلاین بچه‌ها حتی زحمت ضرب و تقسیم راه بخودشان نمی‌دهند.

البته با وجود اینکه با آموزش صدرصدیمی آنلاین به شدت مخالفم و آن را آغاز یک دوره آموزشی ضعیف می‌دانم، ولی معتمد می‌شود در تجربه‌های بعدی باز گشایی حضوری، تغییراتی را لحاظ کرد. مثلاً ساعت حضور در مدارس را کاهش داد یا بعضی موارد ماند رسیدگی به تکالیف دانش آموزان یا کلاس‌های تقویتی را مجازی برگزار کرد. روزهای تعطیل ناگهانی هم می‌شود از این شیوه برای عقب‌نماندن از تحصیل استفاده کرد. در این صورت هم آموزش به‌طور مستمر برقرار است و به تصمیمات مقامات کشوری برای تعطیلات، اختلالی در روند آموزش ایجاد نمی‌کند.

اگر به روایت رایج از تاریخ پیشرفت‌های بزرگ علمی فکر کنیم، احساس می‌کنیم مهم‌ترین نوآوری‌های بشر حاصل پیشامدهایی تصادفی یا ایده‌هایی شخصی بوده که برای انسان‌های فوق‌العاده باهوش رخ داده است. سبببی روی سسر نیوتون افتاده، یا فکر ساختن یک موتور جست‌وجوی اینترنتی در سر بنیانگذاران گوگل در خشسیده. این روایت اگر چه جذاب است، اما احتمالاً که در کوران پاندمی کرونا گرفتار شده‌ایم، خیلی راحت می‌توانیم ایراد آن را در ک کنیم: حل مشکلات به تلاش جمعی و تدریجی دانشمندان نیاز دارد، نه ایده‌های تصادفی نابغه‌های منزوی. ■ ■ ■

مت ریدلی در ابتدای رساله جدیدش با موضوع نوآوری می‌گوید: نوآوری «مهم‌ترین واقعیت دنیای مدرن است، اما در عین حال یکی از چیزهایی است که آن را درست نفهمیده‌ایم.» گرچه نوآوری در نقش یکی از موتورهای قوی شکوفایی (شتاب‌بخش ترقی بشر) عمل می‌کند، اما همچنان «معمای بزرگ» است که تکنولوژیست‌ها، اقتصاددانان و دانشمندان علوم اجتماعی در نحوه کار آن مانده‌اند. از خیلی جهات، حق با ریدلی است. پس از سال‌ها پژوهش دقیق، هنوز هم علل یا بهترین راه پرورش نوآوری را دقیق نمی‌دانیم. آیا نوآوری صرفاً مبتنی بر نبوغ است یا مناسب را حل می‌کند و این کار غالباً مستلزم آزمون و خطای فراوان است، نه کاربست نظریات و روشنفکرانه. نمونه بارز این قضیه توماس ادیسون است که به گفته ریدلی، ۶ هزار ماده‌الی مختلف را امتحان کرد تا رشته مناسب را برای لامپ برقی‌اش بیابد. ریدلی می‌گوید ادیسون «تمرکزش را روی این گذاشته بود که بفهمد دنیا چه نیاز دارد و بعد از آن هم دنبال راهی برای برآوردن این نیازها بود، نه برعکس»

دنیا بیش از حد سر در گم کننده شده و حوزه نوآوری با زتابی از پیچیدگی سرسام آور علوم، اقتصاد و سیاست‌مان است. پس یک جدلی جدید، با وجود همه‌گیری وپروس کرونا نیز با آشفته‌بازاری بیابیم، اما در انتهای این کتاب، جدید روردرو هستیم. اما کدام‌یک از اینها برابستی نوآوری و کدام‌یک کسزهای جدیدی از محصولات قدیمی هستند؟ در ضمن، حالا که وارد این بحث شدیم، آیا نوآوری محدود به تکنولوژی است؟ یا محصولات جدید فرهنگی همچون آثار بنیان‌شکنانه ادبیات و هنر و سینما را هم می‌توانیم تحت این مقوله بگنجانیم؟ متأسفانه هیچ‌کس نظارتی بر فضای نوآوری ندارد تا بگوید نوآوری چیست و چه نیست. عدت‌تا همه‌چیز به اصالت شخصی و ذهن باز برمی‌گردد. من خودم هرازگاهی درباره این موضوع می‌نویسم و معمولاً تعریفی ساده اما منعطف از آن ارائه می‌کنم: نوآوری یعنی محصول یا فرآیندی جدید که هم اثرگذاری بالا و هم مقیاسی بزرگ دارد. گذشته از این، نوآوری چیزی است که کمک می‌کند کاری را به انجام برسانیم که قبلاً به انجام داده‌ایم. اما با روشی بهتر یا از آن‌تر. نور مصنوعی نمونه بارز این امر است. به مرور زمان از شمع به پیه‌نهنگ، چراغ نفتی، لامپ‌های رشته‌ای و فلورسنت و حالا هم لامپ‌ال‌ای‌دی روی آورده‌ایم. یا مثلاً می‌توان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای قرن در اوقات فراغت‌شان قرار بدهند. با این تفاسیر آموزش اجباری بدون بازی برای کودکان توسط روانشناسان و مشاوران توصیه نمی‌شود و کودک باید راستا با سن رشد خودش آموزش و یادگیری را فرآینگیرد و بر این اساس است که بازی در روانشناسی کودک یکی از نیازهای ضروری برای رشد فکری به حساب می‌آید. والدین باید این باور را که بازی موجب هدررفت زمان و اهداف و صرف انرژی مازاد کودک می‌شود از خود دور کنند. بازی بخشی از نیروی ذهنی و بدنی کودک را دربرمی‌گیرد و بخشی از زندگی کودک در این دوران به حساب می‌آید. بازی یک عملکرد دهنده‌است و اگر نتیجه‌ای نداشته باشد کودک از آن لذت می‌برد و باعث کاهش نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و لجبازی‌هایش می‌شود. در پایان باید گفت برای آموزش در مراحل زودتر از شروع کسب تحصیل نهاد آموزش‌پرورش کلاس‌های پیش‌دبستانی را برای کودکان ترتیب داده‌است تا نگرانی والدین را رفع کند، پس نیازی نیست کودک سه چهار ساله را درگیر آموزش‌های مدارس کنیم.

به تقویت و گسترش رشد ذهنی برای کسب مهارت‌های اجتماعی می‌شود. حتی باید به انتخاب نوع بازی متناسب با سن کودک توجه شود به این دلیل که برخی بازی‌ها در آینده منجر به افزایش اطلاعات، استدلال و مهارت‌های فکری و شناختی می‌شود و والدین در کنار این نوع بازی‌ها می‌توانند آموزش مشروط به اینکه تحمیلی نباشند در اوقات فراغت‌شان قرار بدهند. با این تفاسیر آموزش اجباری بدون بازی برای کودکان توسط روانشناسان و مشاوران توصیه نمی‌شود و کودک باید راستا با سن رشد خودش آموزش و یادگیری را فرآینگیرد و بر این اساس است که بازی در روانشناسی کودک یکی از نیازهای ضروری برای رشد فکری به حساب می‌آید. والدین باید این باور را که بازی موجب هدررفت زمان و اهداف و صرف انرژی مازاد کودک می‌شود از خود دور کنند. بازی بخشی از نیروی ذهنی و بدنی کودک را دربرمی‌گیرد و بخشی از زندگی کودک در این دوران به حساب می‌آید. بازی یک عملکرد دهنده‌است و اگر نتیجه‌ای نداشته باشد کودک از آن لذت می‌برد و باعث کاهش نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و لجبازی‌هایش می‌شود. در پایان باید گفت برای آموزش در مراحل زودتر از شروع کسب تحصیل نهاد آموزش‌پرورش کلاس‌های پیش‌دبستانی را برای کودکان ترتیب داده‌است تا نگرانی والدین را رفع کند، پس نیازی نیست کودک سه چهار ساله را درگیر آموزش‌های مدارس کنیم.

ریدلی وارد این آوردگاه بی‌سروسامان می‌شود تا به آشفته‌بازاری فکری در این حوزه سروسامان دهد. بخش اول کتاب تحت‌عنوان «حوزه کارکرد نوآوری و چرا در فضای آزادی شکوفای می‌شود»

نقل از وب‌سایت ترجمان / نوشته: چون گر تن‌تر ترجمه: علیرضا شفیعی نسب / تلخیص: سیمین جم امرجع: واشگنگتن پست